

جیسی کینگ گروه موسیقی مورد علاقه ی اوست و بهترین کتابی که دوست دارد هدیه بدهد یا بگیرد دیکشنری انگلیسی آکسفورد است. تنیس بازی مورد علاقه ی اوست و هر بعد ظهر بعد از اتمام کار نوشتن سراغش میرود البته این علاقه به تازگی در او ایجاد شده است. او نوشتن را از ساعت ۴ صبح شروع میکند و اگر درست سر همین ساعت پشت میزش نباشد احساس میکند که مفید ترین ساعت هایش را از دست داده است.

روی میزش یک ساعت شنی قدیمی دارد و پس از یک ساعت کار مختصری به خودش استراحت میدهد. می نشیند بلند میشود حرکات کششی انجام میدهد و گاهی نیز کله پا و یا به عبارت دیگر سرو ته میشود به این شکل: زمین. کله نویسنده. پاهایش.

او با این کار زاویه دیدش را تغییر میدهد و میتواند چالش های ساختاری داستانش را حل کن و به عبارتی زندگی را از "اون لحاظ" ببیند. البته خودش هم میدانند که این کار کمی عجیبی است اما خب چاره ای ندارد.

باید گفت او هر چند نویسنده ی رمان است اما کمتر پیش میاید که رمان و یا داستان بخواند. در این مورد هم خودش معتقد است که کارش ممکن است کمی عجیب به نظر برسد اما داستان نخواندنش را این گونه توجیه میکند: از آنجایی که رمان های من به تحقیقات زیادی برای نوشته شدن احتیاج دارند در نتیجه بیشتر کتاب هایی که میخوانم آثار غیر داستانی تاریخی زندگی نامه ای و یا ترجمه های متون باستان هستند. اما با همه ی این اوصاف چند نویسنده در حوزه ی ادبیات داستانی هستند که بر اون تاثیر گذار بوده اند. یکی از آنها همین جان اشتان بک که کتاب موش ها و آدم ها را نوشته و دیگری همین شکسپیر که چیزهای زیادی نوشته. اشتان بک به خاطر توضیحاتش و شکسپیر به خاطر بازی های کلامی اش بر اون تاثیر گذار بوده اند.

براون در رشته تاریخ هنر درس خوانده و تا زمان فارغ التحصیلی اش تقریباً هیچ اثر داستانی مدرنی را نخوانده بود. در زمان مدرسه همه عمده مطالعاتش در زمینه ادبیات کلاسیک بوده است. در ۱۹۴۴ زمانی که برای تعطیلات به تاهیتی رفته بود در ساحل نسخه ای قدیمی از "توطئه رستاخیز" سیدنی شلدون را یافت. صفحه اولش را خواند. بعد صفحه بعدی و چند ساعت گذشت و کتاب را تمام کرد.

بعد از خواندن این کتاب بود که با خودش فکر کرد "من هم میتوانم" و نخستین رمانش "دژ دیجیتال" را نوشت. این کتاب در ۱۹۹۶ منتشر و از همین سال براون نویسنده ای تمام وقت شد.

"فرشته ها و شیاطین" و نقطه فریب " آثار بعدی اش بودند تا این که در مارس ۲۰۰۳ رمان جنجال بر انگیز "راز داوینچی" را منتشر کرد. در نخستین روز انتشار شش هزار نسخه از آن به فروش رسید و طبق گزارشات رسیده تا کنون بیش از ۵/۷ میلیون نسخه از آن در سراسر جهان فروخته شده است.

همه در این فکرند که موضوع جنجال بر انگیز این کتاب چگونه به ذهن دن رسیده است. ظاهراً زمانی که در دانشگاه سویل اسپانیا تاریخ هنر میخوانده برای اولین بار متوجه رازهای پنهان در پس نقاشی های داوینچی می شود. سال ها بعد زمانی که درباره رمان فرشته ها و شیاطین تحقیق میکرد دوباره به معمای داوینچی برمیخورد. سفری که به موزه لوور ترتیب میدهد تا نسخه های اصلی آثار مشهور داوینچی را ببیند و با یکی از مورخان هنری درباره ی این آثار صحبت کند. از آن به بعد در دام سحر داوینچی می افتد. و پس از یک سال تحقیق و بررسی "راز داوینچی" را مینویسد. در این کتاب اطلاعاتی را فاش میسازد که خواننده های عادی با آن چندان آشنا نیستند و در واقع برای نخستین بار چنین وقایع مهمی را می شنود. اما بنا به ادعای خود براون این اطلاعات پیش از این نیز وجود داشته و او فقط آنها را از حوزه ی متخصصان بهحوزه همگانی کشیده است. تمامی نقاشی ها ..مکان ها ..استاناد تاریخی و سازمان هایی که در این کتاب به انها اشاره شده همگی واقعی اند. عکس نقاشیها و مکان ها را میتوان از طریق www.danbrown.com (سایت مشاهده کرد) دز این رمان نکته قابل توجی هم برای زنان و مردان وجود دارد و ان بهایی است که به شخصیت زنان گذاشته میشود. البته این بهها پردازی اصلا علل فمینیستی ندارد. بلکه اشاره ای است به حقایق تاریخی. براون می گوید هزارها سال پیش ما درجهان الهه ها و رب النوع ها میزیستیم. امروز فقط در دنیای رب النوع ها زندگی می کنیم. زنان در اکثر فرهنگ ها از قدرت های معنویشان خلع شده اند. رمان راز داوینچی به این سولات پاسخ میدهد که در طی تاریخ چگونه این تغییرات رخ داده اند. و ما با ملاحظه آینده چگونه میتوانیم از این روند درس بگیریم.

براون قصد دارد ادامه ای نیز بر این کتاب بنویسد و شخصیت اول ان نیز طبیعتاً خود رابرت لنگدان! شخصیت بخش اول خواهد بود. این بار لنگدان برای نخستین بار در خاک امریکا با ماجرای رمز الود مواجه میشود. البته براون قصد دارد رابرت لنگدان را شخصیت اول کتاب های بعدی اش نیز قراز دهد. هم اکنون طرح ده دواده کتاب را دز نظر دارد که همگی با حضور لنگدان به ماجراهای مرموزی از سراسر جهان خواهند پرداخت.